

فریدون رحیم زاده، مدیر طرح میان رشته ای علوم انسانی گفت: میان رشتگی یک رویکرد و نحوه نگاه است، به بیان دیگر میان رشتگی یک رشته نیست و در ساختار اتفاق نمی افتد، بلکه در ذهن اتفاق می افتد.

به گزارش [خبرنگار مهر](#) دومین نشست از سلسله نشست های بازخوانی تحلیلی چهاردهه علوم انسانی در ایران با موضوع «تجربه میان رشته ای شدن علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران» صبح امروز، سه شنبه دهم مهرماه با سخنرانی فریدون رحیم زاده، مشاور معاون فرهنگی وزارت علوم و مدیر طرح میان رشته ای علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، مالک شجاعی جشوقانی که دبیری جلسه را به عهده داشت به توضیح مقدمه ای درباره موضوع میان رشتگی پرداخت و گفت: اولین بار در جهان سال ۱۹۲۶ موضوع میان رشتگی مطرح شد، اما در ایران با کمی تأخیر از سال ۱۳۷۶ موضوع میان رشتگی در ایران مطرح شد و ادبیات قابل اعتنایی شکل گرفت. اولین کتاب تألیفی در این حوزه هم توسط علی خرسندی در سال ۱۳۸۷ روانه بازار نشر شد. در همان سالها رشته هایی مثل علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فلسفه، مطالعات قرآنی، مطالعات زنان، دین پژوهی، زبان شناسی، ادبیات و... و. به مطالعات میان رشته ای راه یافتند.

پس از شجاعی، دکتریحیی فوزی، رئیس دبیرخانه طرح اعتلا و ساماندهی علوم انسانی در خصوص این طرح گفت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی حدود دو سال است که طرح اعتلای علوم انسانی را آغاز کرده و هدف هم بحث اثرگذاری علوم انسانی در حوزه مشکلات و مسائل است و قصد دارد به علوم انسانی تحرک بیشتری دهد.

وی افزود: بر این اساس طرح های مختلفی تعریف شد و تعداد بسیار زیادی از پژوهشگران با این طرح در حال همکاری هستند. برگزاری این نشست ها هم مکمل این طرح است. البته علاوه بر این به مناسبت چهل سالگی انقلاب اسلامی قصد داریم تا بررسی کنیم علوم انسانی در ایران در این چهار دهه کجا بوده و به کجا می خواهد برود.

پس از این سخنرانی های مقدماتی، فریدون رحیم زاده مشاور معاون فرهنگی وزارت علوم گفت: برنامه چهارم توسعه ماده ای داشت که در آن آقای خرمشاد بحث میان رشتگی را به میان آورد و اولین بار در پائیز ۱۳۸۴ بحث میان رشتگی به طور رسمی مطرح شد. مفصل بندی این قانون را مفاهیمی چون بازنگری رشته های دانشگاهی، نیازهای اجتماعی، بازار کار، تحولات علمی و توسعه علوم میان رشته ای در حوزه علوم انسانی می سازد.

وی افزود: در آن زمان این موضوع مطرح شد که اگر قرار باشد دانشگاه به بازار هم نگاهی داشته باشد و رشته های دانشگاهی براساس بازار کار بازنگری شود، مسائل و مشکلاتی به بار می آید. بنابراین در همان دوران بحث

هایی پیرامون این موضوع شکل گرفت که پس از عبور از این بحث ها، وزیر علوم وقت آن زمان، آقای زاهدی مکاتبه ای با همه ارگان ها انجام داد مبنی بر اینکه موضوع میان رشتگی در دانشگاه ها دیده و به آن توجه شود. از جمله این ارگان ها بانک مرکزی، قوه قضائیه، جهاد کشاورزی، شهرداری تهران، کتابخانه ملی، وزارت راه و ترابری و ... بودند. این ارگان ها درخواست داده بودند تا رشته هایی در دانشگاه ها مرتبط با نهاد خود دیده شود. علاوه بر این موسسات دیگری چون دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بنیاد حکمت صدرا، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، دانشگاه امام صادق (ع)، موسسه آمریکای شمالی و اروپایی دانشگاه تهران هم در قالب نامه، گفتگو و... پیشنهاد داده بودند تا رشته های جدیدی تعریف شود این در حالی است که بسیاری از این موسسات احتیاجی به تأسیس رشته نداشتند و می شد که موضوعاتی که مطرح می کردند را در قالب یک طرح یا پروژه تحقیقاتی تعریف کرد نه یک رشته دانشگاهی.

رحیم زاده ادامه داد: پس از مطالعات کارشناسی در وزارت علوم، بحث میان رشتگی در دانشگاه های خارج از کشور مورد بحث قرار گرفت و صاحب نظران زیادی در این خصوص صحبت کردند. دریافت نظرات تلفیقی و پیشنهادی اشخاص حقیقی و حقوقی دانشگاهی ذیل سه محور تأسیس رشته جدید، گرایش جدید و تغییر و اضافه کردن واحد درسی مورد بحث قرار گرفت. در همان زمان گروه های مختلفی درخواست تأسیس رشته های مختلفی دادند و می خواستند که حتما رشته ای به نام آن ها تأسیس شود. همین موضوع، بستری را برای بوروکراتیک کردن رشته های علمی فراهم کرد و بر سر اینکه چه کسی رشته ای را به نام خودش ثبت کند، مسائلی پیش آمد و گویی یک ثروتی وجود دارد که همه به آن هجوم آوردند تا هر کسی رشته ای را از آن خود کند. به عقیده بنده یکی از سخت ترین و سیاسی ترین دوره های کار در حوزه میان رشتگی همین دوره بود.

مدیر طرح میان رشته ای علوم انسانی تصریح کرد: همچنین برای جلوگیری از موازی کاری تمامی رشته های مصوب شورای گسترش آموزش عالی و دانشگاه ها در زمینه علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد تا حد امکان از رشته های در حال تدوین در دانشگاه ها اطلاعاتی حاصل شود.

وی با اشاره به چالش های به وجود آمده در حوزه میان رشتگی گفت: یکی از چالش های این حوزه این بود که مشخص نبود معنا و مفهوم میان رشتگی چیست. در تمام این کارها موضوع میان رشتگی خودش تبدیل به یک رشته شده بود و از فلسفه تأسیس و تبیین خودش دور شده بود. نکته دیگر آنکه ما نمی دانستیم رویکرد پسینی به میان رشتگی داشته باشیم یا رویکرد پیشینی. براساس شواهد و تجربیات من، در کشور ما نگاه پیشینی به میان رشتگی وجود دارد به این معنی که ما میان رشتگی را خلق می کنیم. چالش دیگر این که مبنای روشن شده و تعریف شده ای برای میان رشتگی وجود ندارد و چالش آخر هم عدم برداشت واحد از مفهوم میان رشتگی در میان طراحان و تدوین کنندگان بود.

رحیم زاده اظهار داشت: در این میان برخی از صاحب‌نظران از طرق مختلف بر طرح تدوین و نظارت بر میان رشته ای ها به اشکال مختلف در صدد مقابله و مخالفت با آن برآمدند و از عناوینی چون غرب زده، وارد کردن علوم انسانی غربی در ایران استفاده کردند. پس از طرح میان رشته‌گی و مقرر شدن اینکه دفتر گسترش آموزش عالی، همکاری متناسب با این پروژه داشته باشد قرار شد کمیته ای در این باره تشکیل شود ولی هیچ وقت این اتفاق نیفتاد. از دیگر چالش های موجود در این حوزه، بحث دروس پیش نیاز بود. در این باره هم نظرات موافق و مخالفی وجود داشت. برخی معتقد بودند که دروس پیش نیاز یک دام است اما برخی دیگر موافق بودند که دروس نیاز، لازم است و باید باشد.

مشاور معاون فرهنگی وزارت علوم تأکید کرد: از سال ۸۴-۸۵ تاکنون رشته هایی تعیین، تصویب و تدوین و به وزارت علوم ارسال شدند. زیاد بودن این رشته ها باعث شد که بسیاری از آنها روی دست وزارت علوم بمانند. برخی از آنها با لابی گری در دستور کار قرار گرفتند اما بیشتر آنها که کسی نبود پیگیری شان کند، روی دست وزارت علوم ماند و این نشان می دهد که ساختار آموزش عالی در کشور ما ظرفیت و کشش میان رشته‌گی را ندارد.

رحیم زاده گفت: تجربیات من در طول این سالها نشان داد که ما بیشتر درگیر تعریف میان رشته‌گی هستیم؛ نکته دیگر این است که میان رشته‌گی به یک منبع درسی تقلیل پیدا کرده. در حالی که میان رشته‌گی یک امر ذهنی است و بیش از اینکه یک متن باشد باید در ذهن و نگاه دانشجو و استاد باشد. میان رشته‌گی یک رویکرد و نحوه نگاه است به بیان دیگر میان رشته‌گی یک رشته نیست در ساختار اتفاق نمی افتد بلکه در ذهن اتفاق می افتد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: خلاصه کلام آنکه باید از بحث های عمومی و کلی بگذریم و علوم انسانی را در پروژه های خاص ببریم و تعریف کنیم. چون به عقیده من هیچ علمی وجود ندارد که از علوم انسانی بی نیاز باشد. تا همین الان هم علوم انسانی نسبت به علوم دیگر، بیشتر به درد مسائل و مشکلات کشور می خورد.